

## زندگی و سیره حضرت زهرا<sup>(س)</sup> به عنوان الگوی سبک زندگی دینی

بهاء‌الدین قهرمانی نژاد شایق<sup>۱</sup>

### چکیده

سبک زندگی، نشان‌دهنده مجموعه جهت‌گیری‌های ارزشی، هنجارها، خواسته‌ها، تمایلات و شیوه رفتار و در کل وضعیت فرهنگی جامعه است. یکی از الزامات تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، شکل‌گیری سبک زندگی بومی و اسلامی است و البته تحقق این مهم منوط به ارائه و تبلیغ انواع سبک‌های زندگی مقبول و منطبق با آموزه‌ای دینی و اسلامی است. براین اساس، در مقاله پیش رو به ارائه برخی از مهم‌ترین زوایای زندگی حضرت فاطمه زهرا (س) به عنوان یکی از مهم‌ترین الگوهای سبک زندگی دینی به خصوص در میان شیعیان و ایرانیان معتقد به مکتب اهل بیت (ص) که همان اسلام ناب است، پرداخته می‌شود. سؤال اصلی این مقاله عبارت است از: مهم‌ترین ویژگی‌های زندگی پر برکت حضرت زهرا (س) که نسل امروز می‌توانند یا باید به آنها تأسی جویند، کدامند؟ به عبارت دیگر، الگوهای رفتاری و عملی که از سیره و زندگی آن حضرت در دوران مدرن قابل استفاده است، کدامند؟

**واژگان کلیدی:** حضرت فاطمه (س)، سبک زندگی اسلامی، زندگی اجتماعی ایرانیان، هنجارهای فرهنگی و آموزه‌های دینی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال چهارم، شماره پانزدهم، تابستان ۹۴، صص ۲۴۱-۲۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۳/۲۵

۱. استادیار دانشکده معارف دانشگاه تهران (b.ghahremani@ut.ac.ir).

## مقدمه

یکی از ابعاد حوزه مطالعاتی و پژوهشی سبک زندگی، معطوف به بررسی الگوها، مراجع یا انواع سبک‌های زندگی رایج است که معمولاً منجر به معرفی تیپ‌های مختلف سبک زندگی یا سنخ‌شناسی الگوهای سبک زندگی در گروه‌ها و جوامع می‌شود (برای مثال رجوع شود به: شهابی، ۱۳۸۶ و شکوری، ۱۳۸۰). بنابراین مسائل و سؤالاتی در خصوص انواع الگوهای بومی (یا سنتی) و مدرن سبک زندگی، تغییرات الگوها و کم و کیف پاسخگویی الگوهای موجود یا در دسترس جامعه به نیازها و مطالبات گروه‌های مختلف سنی، جنسی و... مطرح است. در جامعه ایرانی نیز سبک‌های متعدد و متفاوتی از سبک زندگی وجود دارد که هر کدام متأثر از الگوها یا مراجع مختلفی قرار دارند. بعد دیگر این مسئله، به لزوم اتخاذ رویکردهای هنجاری و سیاست‌گذاری فرهنگی در باره ارائه الگوی سبک زندگی مطلوب است، به شرط آنکه این الگو امکان نفوذ و اثرگذاری بر آحاد کنشگران و جامعه را داشته باشد. از جمله الگوهای مهم و نافذ که در زمره الگوی سنتی قرار می‌گیرند، سبک زندگی دینی و یا مذهبی است که به سبب قوت حضور دین در جامعه ایرانی، از جایگاه مهمی برخوردار است. در حقیقت، توجه و تأمل درباره ضرورت و امکان ارائه «الگوی زیست‌مسلمانی» یا به تعبیر قرآنی «حیات طیبه» در دنیای امروز اهمیت فراوانی دارد. از جمله سؤالات مطرح در این باره میزان کفایت یا پاسخگویی الگوهای دینی سبک زندگی به نیازهای موجود و میزان انطباق آن با شرایط موجود و اساساً توان یا قابلیت پاسخگویی مراجع دینی (مبتنی بر احکام و دستورات دینی) به نیازهای روزمره کنشگران در عرصه‌های مختلف سبک زندگی از جمله پوشش، مصرف و... است که با عنایت به پیش‌فرض‌های سیاست‌گذارانه عجلتاً آن را پذیرفته و تلاشی برای اثبات آن نمی‌نماییم و آن را به‌عنوان یک پیش‌فرض می‌پذیریم.

اکنون یک مسئله مهم، ضرورت ارائه الگوی قرآنی و اسلامی در مقابل الگوهای غربی و الگوهای غیربومی است. این الگو می‌تواند مبین یک الگوی سالم و نشاط‌بخش برای

زندگی آحاد جامعه باشد که باید از سوی سیاست گذار فرهنگی مورد توجه قرار گرفته و در چارچوب سیاست‌های هنجاری مورد تأکید مراجع ذی‌ربط باشد. به عبارتی، ورود به این بحث با این پیش فرض است که «الگوی زندگی فاطمی» می‌تواند در عصر حاضر مورد توجه قرار بگیرد. اهم دلایل آن عبارتند از:

- به دلیل اقتضات و نیازهای جاری، این الگو می‌تواند در جامعه دینی و شیعی مورد استقبال جامع ایرانیان معتقد به مکتب اسلام ناب که در آموزه‌های علوی و فاطمی یافت می‌شود، قرار گیرد.

- احتمال نفوذ و اثرگذاری این الگو در جامعه ایرانی به نحو جدی وجود دارد.

- این الگو جامع بوده و می‌تواند تمامی ابعاد سبک زندگی را پوشش دهد. ارائه یک بحث جدی اما مختصر از دیدگاه دینی در خصوص اینکه از نگاه حاکمیتی (نظام جمهوری اسلامی) و نیز فقهی - کلامی، نظام سیاسی می‌تواند و باید در حوزه فرهنگ، آداب و رسوم و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی ملاحظه و سیاست گذاری کند.

در جهت تبیین و تشریح ساختاری سه مبنای بیان شده، توجه به این اصل مهم ضروری است. از آنجا که برابر با هنجارهای پذیرفته شده در نظام جامعه‌شناختی کشور ما، از جهت پذیرش الگوها و آموزه‌های دینی که ارتباط مستقیم در ساختار جامعه داشته، با عنایت به اینکه این هنجارها در طول تاریخ و از دیرباز در اجزای مختلف و لایه‌های متفاوت جامعه، نهادینه شده است، به همین جهت باید تمامی مراحل مربوط به نظام‌نامه‌های آموزشی و ترویج باید‌ها و نیاید‌ها، پسندیده‌ها و ناپسندها به نحوی باشد که با باورها و اعتقادات عامه مردم، همخوانی و همسانی داشته باشد. نظر به اینکه این همسانی باید با آرایه‌های متداول در شکل تربیت دینی و به موازات هم جلو برود، لزوم دریافت این مهم از فرهنگ‌نامه‌های مدون دینی، بدیل می‌نماید. بنابراین، توجه به دریافت این الگوها از آموزه‌های پیامبر (ص) و اهل بیت طاهرینشان، مسئله‌ای روشن و غیرقابل خدشه است و از این منظر، دریافت این الگوها در زندگی حضرت زهرا (س) اهمیت می‌یابد.

## ۱. مفهوم سبک زندگی

سبک زندگی یک مجموعه منسجم از رفتارها و کنش‌های افراد یک گروه، جامعه در یک دوره زمانی مشخص است. می‌توان آن را روش خاصی از زندگی نیز دانست. در ادبیات جامعه‌شناختی، سبک زندگی مجموعه رفتارهایی تعریف شده است که افراد یا گروه‌ها آن

را برمی‌گزینند و می‌تواند تجلی، نگرش‌ها و گرایشات آنها و وجه تمایز آنان از سایرین باشد (الفت و سالمی، ۱۳۹۱). همچنین الگویی است برآمده از ارزش‌ها و باورهای مشترک یک گروه یا جامعه که به صورت رفتارهای مشترک ظاهر می‌شود (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۸: ۵۱)، به زبان دیگر، مجموعه‌ها یا الگوهای خودآگاه و دقیقاً توسعه‌یافته ترجیحات فردی در رفتار شخصی مصرف‌کننده است. به تعبیر بوردیو، سبک زندگی فعالیت‌های نظام‌مندی است که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شود و بیشتر جنبه عمیق و خارجی دارند و در عین حال به صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشند و میان افراد گوناگون تمایز ایجاد می‌کنند. در مجموعه تعاریف سبک زندگی، به سه ویژگی متفاوت تأکید شده است: ویژگی‌های زیباشناختی، ویژگی‌های تمایزبخشی و تجسم امروزی یا ابعاد تجملی زندگی (الفت و سالمی، پیشین). «آلفرد آدلر» از این اصطلاح برای اشاره به حال و هوای زندگی فرد استفاده کرد. سبک زندگی هدف فرد، خودپنداره، احساس‌های فرد نسبت به دیگران، و نگرش فرد نسبت به دنیا را شامل می‌شود (فیسست و فیسست، ۱۳۸۷: ۹۷).

«لیزر» (۱۹۶۳) سبک زندگی را براساس الگوی خرید کالا تعریف می‌کند. به نظر وی سبک زندگی نشان‌دهنده شیوه زندگی متمایز جامعه یا گروه اجتماعی و نشان‌دهنده شیوه‌ای است که مصرف‌کننده در آن خرید می‌کند و شیوه‌ای که کالای خریداری شده مصرف می‌شود، بازتاب‌دهنده سبک زندگی مصرف‌کننده در جامعه است (خوشنویس، ۱۳۸۹: ۱۰). سولومون اعتقاد دارد: هر جامعه‌ای دارای سبک و شیوه زندگی متفاوتی است. سبک زندگی، فعل و انفعال فرد را در محیط زندگی او نشان می‌دهد. در جوامع سنتی انتخاب‌های مبتنی بر مصرف به شکل گسترده‌ای براساس طبقه، کاست، محیط روستا یا خانواده دیکته می‌شود، در حالی که در جوامع مدرن به هر حال مردم دارای آزادی عمل بیشتری در انتخاب کالاها و خدمات و فعالیت‌هایی هستند که به نوبه خود هویت اجتماعی را خلق می‌کند (رسولی، ۱۳۸۲: ۵۴). «سازمان بهداشت جهانی» سبک زندگی را این‌گونه تعریف می‌کند: «اصطلاح سبک زندگی به روش زندگی مردم و بازتابی کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت‌ها اشاره دارد. همچنین ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی (فعالیت بدنی، تغذیه و...) است که در پی فرایند جامعه‌پذیری به وجود آمده است» (قاسمی پاکرو، ۱۳۹۰: ۱). «محمد فاضلی» در کتاب «مصرف و سبک زندگی»، معنای این واژه را عبارت می‌داند از: «طیف رفتاری که اصلی

انسجام بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده است و الزاماً برای همگان قابل تشخیص نیست؛ اگرچه محقق اجتماعی میان آن و بقیه طیف رفتارهای افراد جامعه، تمایز قائل می‌شود» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۸۳). نویسنده کتاب «دین و سبک زندگی» می‌نویسد: «سبک زندگی عبارت است از الگوی هم‌گرا (کلیت تامی) یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات، و ترجیح‌ها و سلیقه‌اش و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند. به اختصار، سبک زندگی، الگو یا مجموعه نظام‌مند کنش‌های مرجح است» (مهدوی کنی، ۱۳۸۸: ۷۸).

سبک زندگی<sup>۱</sup> در عربی به السنه معروف است. این اصطلاح برای توصیف شرایط زندگی انسان استفاده می‌شود. این عبارت پس از آنکه توسط مسلمانان از روش زندگی پیامبرشان، یکی از چهار مرجع یافتن حکم خدا و رسولش - در کنار قرآن و عقل و اجماع علما - برگزیده شد. برخی نظیر روبرتر<sup>۲</sup> معتقدند: باید تعریفی عام و مطابق شرایط هر جامعه از این مفهوم داشت. به نظر وی هر کس مجبور است اهمیت تعریفی را که پذیرفته است با نشان دادن یافته‌های جدید حاصل از آن توجیه کند. این موضع‌گیری‌ها دشواری ارائه تعریفی از سبک زندگی را نشان می‌دهند.

در تعریف مفهومی سبک زندگی، گیدنز معتقد است: «سبک زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد، چراکه نه فقط نیازهای جاری او را بر آورده می‌سازد، روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران منسجم می‌سازد. شیوه زندگی، مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است». بوردیو «سبک زندگی» را به معنای «سلیقه‌ها یا عادت‌واره‌ها»، به کار می‌برد. عادت‌واره‌ها اصول تکثیرگر رفتارهای متمایز و متمایزکننده‌اند. اسلوبی که عبارت است از: مجموعه وحدت‌گرایی از انتخاب‌ها که اشخاص، اموال و افعال خاصی را بر موارد دیگر ترجیح می‌دهند.

کانتر و زابلوکی<sup>۳</sup>، در تعریف سبک زندگی می‌گویند: «حد و مرزی که در چارچوب

- 
1. Life Style
  2. Roberts
  3. Cunter & Zabloky

آن اعضای شبیه یا متفاوت از یکدیگرند هم از جهت توزیع درآمدها و هم از جهت انگیزش‌هایی که بنیاد چنین توزیعی است».

از مجموع تعاریف پیش گفته درباره «سبک زندگی» چند نکته استنباط می‌شود:

- سبک زندگی، یک روش زندگی، الگوی عمل، مجموعه عملکردها، روش سازماندهی زندگی، ترجیحات رفتاری و مادی و الگوی مصرف است.
- سبک زندگی انتخابی است و بر تصمیم‌گیری فرد در جهت عمل استوار است.
- گزینش سبک زندگی خاص، بر سلیقه و علاقه فرد استوار است.
- گزینش سبک زندگی خاص به منابع و امکانات در دسترس، موقعیت اجتماعی فرد، زمینه اجتماعی و بافت و ساختی که فرد در آن قرار گرفته است، مشروط می‌شود.
- هر چه ساخت و بافت اجتماعی دارای ویژگی‌ها و امکانات مساعد بیشتری در جهت رهایی بخشی کنشگران از قید و بندهای ساختی باشد، به همان نسبت امکان تبلور هویت فردی و اجتماعی کنشگران و به عبارت دیگر امکان بیانگری و معرفی خود از طریق گزینش سبک زندگی خاص بیشتر خواهد بود.
- از رهگذر انتخاب سبک زندگی، می‌توان وجوه تشابه و تفاوت کنشگران را به یکدیگر و از یکدیگر تعیین کرد. به عبارت دیگر، سبک زندگی متمایزکننده افراد و گروه‌هاست.
- هر سبک زندگی خاص، از انسجام نسبی برخوردار است. مجموعه رفتارها و فعالیت‌های هر کنشگر با تکیه بر ابزارها، امکانات و توانایی‌های خاص در موقعیت و زمینه‌ای ویژه، در جهت پاسخ به خواسته‌ها، ترجیحات و نیازهای خاص کنشگر جهت بیانگری خود معنا می‌یابد (کریمی، ۱۳۹۰).

#### ۱-۱. مؤلفه، ابعاد یا جنبه‌های سبک زندگی

بر اساس ادبیات موجود، ابعاد سبک زندگی عبارتند از: ۱. مصرف کالاها و خدمات و شیوه‌های مصرف، ۲. سیاست بدن (الگوی تغذیه، آرایش، ورزش و بهداشت سلامت)، ۳. الگوی گذران اوقات فراغت و تفریحات، ۴. الگوی پوشش، ۵. شیوه تعاملات و ارتباطات اجتماعی و آداب معاشرت، ۷. رفتار محیط زیستی، ۸. شیوه هویت‌سازی و بیان و عرضه خود، ۹. نحوه صحبت، ادبیات و علائق هنری، ۱۰. الگوی ازدواج، همسرگزینی، روابط

زناشویی و روش های تربیتی، ۱۱. عقاید، باورها، ارزش ها و گرایش های اجتماعی، ۱۲. کیفیت مشارکت های اجتماعی و مدنی و ۱۳. دارایی های فرهنگی (کتاب، اثاثیه، تزیینات منزل و...).

بدیهی است که تمامی این جنبه ها را می توان با روش الگویابی و مفهوم جویی و همچنین تطابق و دریافت مناط از آموزه های دینی به دست آورد. قابل ذکر است که رابطه انسجامی میان عناصر و ابعاد یک الگو متفاوت است و بین آنها روابطی از نوع همسازی کامل تا عدم همسازی (عدم انسجام) مشاهده می شود (فاضلی، ۱۳۸۲: ۹۱). از نظر دینی مؤلفه های مهم سبک زندگی شامل ابعاد فرهنگی، اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و خانوادگی است. همچنین در تفکر دینی قلمروهای سبک زندگی در زندگی فردی نیز بسیار مهم و برجسته است.

## ۲. اهمیت و ضرورت طرح الگوی سبک زندگی فاطمی (س)

یکی از شئون پیامبر ختمی مرتبت (ص) به عنوان آخرین، کامل ترین و جامع ترین رُسل که آورنده عصاره شریعت تمامی انبیا می باشد، تبیین حقایق الهی و قرآنی است و به این حقیقت، قرآن گواهی می دهد (نحل، ۴۲). این وظیفه اصلی و تعیین کننده تبیین، خطی است که بعد از رحلت پیامبر (ص) نیز باید ادامه پیدا کند. به همین جهت و قطعاً رهبری جامعه بعد از پیامبر (ص) باید به روش کسانی باشد که شایسته این منصب باشند. این شایستگی در دو بعد علمی و عملی، برآزنده اهل بیت (ع) است که طبق قرآن، از هر گونه کژی و کاستی پیراسته هستند (احزاب، ۳۳). پیامبر (ص) بر همین مبنا، بارها و به ویژه در اواخر عمر شریفشان، بر این معنا تصریح کردند و فرمودند: «همانا در میان شما مسلمانان، دو یادگار گرانسنگ و جاودانه باقی می گذارم که معیار اصلی راه صحیح از سقیم بوده و هرگز از هم قابل انفکاک نیستند و مادام که به هر دو چنگک تمسک و توسل زنید، گمراه نخواهید شد»<sup>۱</sup>. این تبیین تاریخی و استراتژیک به عنوان حدیث متواتر و جاودانه ثقلین در منابع فراوان از عامه مانند تمامی مصادر شیعی نقل شده است (نیشابوری، بی تا: ۱۲۳؛ نووی دمشقی، ۱۴۲۱ ق: ۲۱۱؛ کوفی، ۱۴۱۲ ق: ۴۰۷).

بنا بر این اصل، فاطمه (س)، به عنوان عصمت کبرای الهی، جزء پنج نفر اصحاب

۱. انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی، اهل بیتی، ما ان تمسکتهم بهما لن تضلوا و لن یفرقا حتی یردا علی الحوض

کساء و اهل بیت (ع) است که آیه تطهیر در شأن وی نازل شده و به این واقعیت، خود پیامبر (ص) بارها تأکید داشته‌اند (زرندی حنفی، ۱۳۷۷ ق: ۳۲۹؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴). به همین مناسبت است که امام عسکری (ع) فرمود: ما جمله امامان، حجت‌های خداوندی بر مردم بوده و مادرمان فاطمه (س) حجت خداوند بر ما می‌باشد<sup>۱</sup> (محدث قمی، بی‌تا، ماده حجت). بنابراین و با التفات به این حقایق، دریافت آموزه‌های فاطمی (س) اهمیت و ضرورت خود را می‌نمایاند.

### ۳. جایگاه حضرت فاطمه (س)

#### ۳-۱. جایگاه حضرت فاطمه (س) در قرآن

حضرت فاطمه (س)، بنابر مفهوم منطوقی کتاب الهی، برترین زنان عالم است. در وصف حضرت مریم (س) این تصریح در قرآن (آل عمران، ۴۲) دال بر عظمت شأن حضرت زهرا(س) است. مریم (س) به هر دلیلی دارای این کرامت و مقام شد، به‌طور بالاتر و بالاتر در فاطمه (س) این معیارها وجود داشته است. اگر مریم (س)، عابده و قدیسه بود، زهرا(س) بالاتر، اگر مریم (س) مادر عیسی (ع) بوده، فاطمه (س) مادر یازده حجت باهره الهی بود و علاوه بر اینها، فاطمه (س) همسر سید اوصیا، شهیده راه حقیقت و دفاع از ولایت و دارای ده‌ها خصال والا بود. به همین جهت پیامبر (ص) تأکید فرمودند: مریم (س) برترین زنان جهان در عصر خودش بود و دخترم فاطمه (س)، برترین زنان در همه زمان‌هاست<sup>۲</sup> (ازدی، ۱۴۱۶ ق، ۱: ۵۰۲؛ نسایی، ۱۴۱۱ ق، ۴: ۲۵۳؛ صدوق، بی‌تا، ۲۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۷۵: ۱۷ ح ۱). همچنین در آیه تطهیر، صراحت نزول آن در شأن وی در منابع بی‌شماری به‌ویژه در عامه وارد شده است (بن حنبل، بی‌تا، ۶: ۲۸۸؛ ترمذی، ۱۴۰۳ ق، ۵: ۳۰؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶ ق، ۲: ۴۱۶؛ طبری، ۱۴۱۵ ق، ۲۲: ۹).

آیه مباحله که در مورد اثبات حقانیت اسلام، پیامبر، اهل بیت (ع) (آل عمران، ۶۲) است، مصداق ولایی در تأکید به ارزش مقامات الهیه آن حضرت است (ابن صباغ مالکی، ۱۴۰۹ ق: ۱۲۰؛ ابن اثیر جزری، ۱۲۹۰ ق، ۴: ۲۶؛ ابن مغزلی شافعی، ۱۲۹۴ ق: ۲۶۳؛ هیشمی، ۱۴۱۴ ق: ۱۷۸).

۱. نحن حجج الله على الخلق اجمعين و أمنا فاطمه، حجت الله علينا  
۲. ذاک مریم بنت عمران سیده نساء عالم فاما ابنتی فاطمه فهی سیده نساء العالمین من الاولین و الاخرین



زندگی و سیره حضرت زهرا (س) به عنوان الگوی سبک زندگی دینی ۲۲۷

فاطمه (س) در آیه اطعام که شامل هفده آیه سوره مبارکه الانسان است نیز به اوصاف بهشتیان ستوده شده است (فخر رازی شافعی، ۱۳۰۸ ق، ۸: ۲۷۶؛ گنجی شافعی، ۱۳۵۶ ق: ۲۰۱؛ محب‌الدین طبری، بی تا: ۱۰۲؛ حموینی، ۱۳۹۸ ق، ۲: ۵۶).  
آیه مودت نیز از جمله آیاتی است که بی شک در شأن آن حضرت است (شوری، ۳۳). مفسرین فراوانی از عامه به آن تصریح کرده‌اند و در نهایت یقین و بدون تردید است (سیوطی، ۱۳۶۵ ق، ۶: ۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲ ق، ۴: ۸۵؛ ابن جوزی حنبلی، ۱۴۰۷ ق، ۲: ۱۹۹).

### ۳-۲. جایگاه حضرت فاطمه (س) در روایات

ایشان محبوب‌ترین شخص، طبق نص پیامبر (ص) از بین زنان بوده است (بخاری، ۱۴۰۹ ق: ۲۰۹، ابن ابی عاصم، ۱۴۱۱ ق، ۵: ۳۵۸؛ ۲۹۴۷، ابویعلی، بی تا، ۴: ۳۵۲؛ طبرانی، ۱۴۰۳ ق: ۸۴). همچنین وی تنها همشأن و هم‌رتبه امیرالمؤمنین (ع) است (خطیب خوارزمی حنفی، بی تا، ۱: ۶۶؛ خطیب بغدادی، ۱۳۴۹ ق، ۱: ۲۵۹). وی طبق تصریح منابع عامه، مخاطب فرشتگان بوده است (ایوب بن شاهین، ۱۴۱۱ ق: ۲۷؛ اسکافی، بی تا: ۲۳۶). فاطمه (س) طبق روایت نبوی در اوج عرفان بوده و تسیحات حضرت زهرا (س) که به برکت وی تعلیم داده شده، حاکی از همین معناست (محاملی، ۱۴۱۲ ق: ۱۷۲؛ خیشمه قرشی، ۱۴۰۰ ق: ۱۹۰؛ ابن بلبان، ۱۴۱۴ ق، ۱۲: ۳۳۹). و به همین نص او معیار ایمان بوده است (ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ۸: ۴۰؛ ابن ماجه قزوینی، ۱۳۵۵ ق، ۱: ۵۲). وی در منابع عامه دارای مقام شفاعت شمرده است (ابن ضحاک، ۱۴۱۲ ق: ۳۶۰). علاوه بر اینها، ده‌ها روایت از پیامبر (ص) از طریق منابع عامه که علاوه بر صدها روایات منقول از ائمه (ع) در مورد شأن حضرت وجود دارد که می‌توان آن را اندکی از بسیار دانست.

#### ۳-۲-۱. گزارش‌های متواتر تاریخی

بسیاری از گزارش‌های تاریخی پیرامون رخداد‌های زمان زندگی و حوادث خون و جانسوز بعد از رحلت پیامبر (ص) منجر به شهادت مظلومانه وی و به‌ویژه نقش بی‌بدیل او در دفاع از حریم رهبری امت و ولایت، حاکی از اوج عرفان و امتیازات بی‌شمار وی است.  
نظر به اهمیت فوق‌العاده و تأثیرگذاری آموزه‌های تربیتی و سیره اجتماعی و خانوادگی وی، توجه تامی در مراکز پژوهشی به سیره آن حضرت وجود دارد. به همین

مناسبت می‌توان از برخی از آثار نام برد:

- دانشنامه فاطمی (س): این اثر، توسط محققین پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تحقیق و به زیور طبع آراسته شده است. این اثر که در شش مجلد است، شامل ابعاد و زوایای مختلف پیرامون مناقب، جایگاه، مکانت، آموزه‌ها و... است.
  - فرهنگ سخنان فاطمه (س): این اثر توسط گروه حدیث پژوهشکده علمی و کاربردی باقرالعلوم (ع) تحقیق و به چاپ رسیده است. مبنای این اثر، به دست آوردن آموزه‌های فاطمی و پردازش آن بوده است که بر مبنای منابع فریقین است.
  - فاطمه‌الزهرا من المهد الی اللحد: اثر مرحوم علامه سیدمحمد کاظم قزوینی است که در مورد سایر معصومین (ع) نیز به همین سبک عمل کرده و بسیار نغز و گویاست.
  - فاطمه‌الزهرا (س): این کتاب از آثار بسیار ذی‌قیمت علامه امینی، صاحب کتاب و مجموعه تاریخی، جاودانه و گرانبسنگ‌الغدیر و در نوع خود بی‌نظیر است.
- علاوه بر آثار فوق که در واقع به شکل فرهنگنامه‌ای حاکی از توجه سیره و آموزه‌های فاطمی (س) است، آثار فراوان دیگری نیز موجود است که مجموع آن تا کنون ۷۳۵ اثر به دوازده زبان زنده دنیا است (گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، ۱۳۸۶: ۱۲). این مقاله، با عنایت به ضرورت دریافت مؤلفه‌های سبک زندگی در آموزه‌های فاطمی (س) درصدد بررسی مؤلفه‌ها در زندگی و خطبه‌های آن حضرت و حصول نتیجه‌گیری است.

### ۳-۳. جایگاه حضرت فاطمه (س) در عصر نبوی (ص)

آن حضرت در دوران پدر گرامیشان رسول اکرم (ص) برهه‌های مهمی داشتند که هر کدام با توجه به مبحث مورد نظر، مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

#### ۳-۳-۱. قبل از تولد

ایشان قبل از تولد، انیس و مونس مادرش حضرت خدیجه (س) بود. خدیجه، بانوی یگانه‌ای بود که عشق به پیامبر (ص) در وجود او نهادینه شده بود. به همین جهت، او حیبه دل پیامبر (ص) شمرده می‌شد؛ به نحوی که آن حضرت، همواره از وی به نیکی یاد می‌کرد. خدیجه بانوی بی‌بدیلی بود که قبل از ازدواج با پیامبر (ص) به همه خواستگاران

زندگی و سیره حضرت زهرا (س) به عنوان الگوی سبک زندگی دینی ۲۲۹

خویش علی رغم حَسَب، نسب و موقعیت ممتاز عربی، جواب رد داده بود (حمیری، ۱۴۱۳ ق: ۳۲۵). وی از پاکی محمد (ص)، نجابت و حیای او مطلع بود و به صدق و صفای او ایمان داشت (ابن حمّاد دولابی، ۱۴۱۷ ق: ۲۷). وقتی که حضرت از وی خواستگاری کرد، با دل و جان پذیرفت (ابن حمدان، ۱۴۱۱ ق: ۵۲). وی با خطبه پرشور ابوطالب (ع) که مطابق با شریعت ابراهیم (ع) و آیین حنیف بود به ازدواج پیامبر (ص) درآمد (ابن ابی‌الجمهور، ۱۴۰۳ ق، ۳: ۲۹۸).

اولین ثمره این ازدواج تاریخی، تولد قاسم بود که مدتی بعد درگذشت. فرزند دوم ایشان، عبدالله بود که او نیز در کودکی وفات یافت. علی رغم این مصائب، طلوع نور رسالت و ایمان آوردن وی به عنوان اولین بانوی مسلمان، شرایط جدیدی برای وی فراهم آورد. وی و همسرش و همین‌طور علی (ع) سه نفری بودند که در تمام جهان، اولین نمازگزاران در کنار کعبه بودند (ابن حنبل، پیشین، ۱: ۲۰۹؛ طبرانی، معجم الکبیر، بی تا، ۱۸: ۱۰۲). وی به دلیل ایمان به پیامبر (ص) به تدریج از طرف زنان مکه تحریم شده و با وی رفت و آمد نمی‌کردند و تنها مونس وی، مادر امیرالمؤمنین (ع) حضرت فاطمه بنت اسد بود. هنگامی که این غم‌ها، سینه او را می‌فشرده، خداوند متعال به پیامبر (ص) مژده داد که به زودی صاحب فرزندی خواهند شد که خیر کثیر در او نهفته است. به همین جهت، وی چهل روز به روزه و شب‌ها به نماز گذراند تا اینکه حق تعالی، امر مقدر خویش را به ظهور رسانیده و خدیجه (س) به فاطمه (س) باردار گردید (بحرانی، ۱۴۱۳ ق، ۳: ۲۲۴). هنگامی که چند ماهی از بارداری وی گذشت، با کودکی که در رحم داشت به اذن حق تعالی سخن می‌گفت و در واقع او باعث آرامش مادرش بود و گاه پیامبر (ص) از خدیجه (س) می‌پرسید: در اطاق خویش می‌شنیدم که سخن می‌گویی؟ خدیجه (س) پاسخ می‌داد: آری، با کودکی که در رحم دارم. او قبل از تولد خویش، انیس و مونس من می‌باشد (ابن حمزه طوسی، بی تا: ۲۸۵ ح ۲۴۴/۱). در واقع این ایجاد آرامش فرزند برای مادر نکته‌ای است که از مان ابتدای مادری ایجاد می‌شود و اوج آن در فاطمه (س) نسبت به مادر خویش بوده است.

### ۲-۳-۳. ماهیه آرامش پدر و مادر

فاطمه (س) در پگاه بیستم جمادی‌الثانی سال پنجم بعثت متولد شد (کلیتی، ۱۳۶۳ ش، ۱:

۴۵۸). نظر به اینکه فرزندان دیگر در گذشته بودند و علاوه بر آن، جایگاه و رتبت عظیم فاطمه (س) مقدمات و شیوه تولد او، همه و همه عوامل مهمی بودند که مایه آرامش فراوان پیامبر (ص) و خدیجه (س) می‌شد. روز به روز، مهر و الفت وی به والدینش روزافزون می‌شید. سال‌های آغازین اسلام و شدت آزار و اذیت مشرکین، وضعی خاص ایجاد کرده بود. در سال هفتم بعثت، یعنی در دو سالگی فاطمی (س) ماجرای تحریم اقتصادی و محاصره اجتماعی مسلمانان پیش آمد. سه سال، به همین منوال گذشت و در ایام بسیار درد آور، او رنج‌ها و صدمات دوران کودکی را با مادرش گذراند، اما رخداد بسیار تلخ و غم‌انگیز، رحلت مادر گرامی ایشان در سال دهم بود که آن سال را برای او تبدیل به عام‌الحزن نمود (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ ق، ۴: ۱۸۸۱). وی بعد از دفن مادر و هنگامی که با پدر تنها شد، به شدت اشک می‌ریخت و جبرئیل برای تسلی دل او به پیامبر (ص) مژده داد که خدیجه (س) در عالی‌ترین مرتبه بهشت قرار دارد و از این مژده، دل فاطمه (س) آرام گرفت (قاضی نعمان، بی‌تا، ۳: ۱۷).

وی پس از مادر به قدری مونس پدر بود که به لقب «ام ایها»، به معنای مادر پدرش خطاب می‌شد و این یکی از مؤلفه‌های مهم در الفت و آرامش متقابل بود که بین او و پدرش وجود داشت (اربلی، ۱۴۰۵ ق، ۲: ۹۰). دفاع وی از پدرش مثال زدنی بود. وقتی مشرکین در صدد اذیت پیامبر (ص) برمی‌آمدند، او به دفاع از پدر برمی‌خاست. گاه می‌شد که بر سر و صورت پیامبر (ص) خاک‌روبه یا شکمبه شتر می‌ریختند و او با دست‌های کوچک، سر و روی پدر را پاک می‌نمود (ابن هشام، ۱۳۸۳ ق، ۲: ۲۸۳). گاه نیز شکایت مهاجمان را به عمویش ابوطالب می‌برد و آن حضرت به دفاع از پدرش می‌آمد و ابوطالب به اتفاق برادرش حمزه، همان رفتار را با مشرکین می‌نمود (مجلسی، پیشین، ۱۸: ۱۸۷).

### ۳-۳-۳. هجرت

با شدت گرفتن اقدامات مشرکین، پیامبر (ص) به امر حق تعالی مأمور به هجرت به یثرب شد که بعدها مدینه‌النبی (ص) نام گرفت. این رخداد در سال سیزدهم بعثت - هشت سالگی فاطمه (س) - پیش آمد. وی به امر پدر ابتدا در مکه ماند و سپس به همراه فاطمه بنت اسد، فاطمه دختر زبیر و حضرت علی (ع) جهت پیوستن به پدر از مکه خارج شد (یعقوبی، بی‌تا، ۲: ۴۱). او علی‌رغم تمامی سختی‌ها و مرارت‌های سفر از محاصره‌ای که

زندگی و سیره حضرت زهرا (س) به عنوان الگوی سبک زندگی دینی ۲۳۱

هنگام خروج از مکه پیش آمده و سختی های بین راه، در مواجهه با پدر که در دهکده قبا به مدت ۱۰ روز انتظارش را می کشید (طبری، ۱۴۰۳ ق، ۲: ۱۰۷) با مهر و محبت فوق العاده ظاهر شد و به اتفاق به مدینه وارد شدند.

#### ۴-۳-۳ ازدواج

آن حضرت علی رغم اینکه خواستگاران فراوانی داشت (اربلی، همان، ۱: ۳۶۳) ولی همه آنها را رد نمود. زیرا پدرش، پیامبر (ص) می فرمود: این امری آسمانی است و باید حکم الهی درباره آن نازل گردد (ابن سعد، بی تا، ۸: ۱۹). این مؤلفه مهمی است که در ازدواج باید مراعات گردد، چرا که هم شأنی و کفو بودن، عامل اصلی و تعیین کننده در تأمین آرامش روحی و جسمی زوج است. نظر به اینکه هر شخصی با توجه به اعتقادات و روحیات، با شخصی که با روحیه خودش سازگار است می تواند زندگی کند. احساس آرامش در زندگی نکته ای است که نباید مغفول بماند. به همین جهت است که انسانی ملکوتی مانند حضرت زهرا (س) با شخصی که به حکم الهی است باید ازدواج کند. شرایط و فضای ازدواج آن حضرت از ابتدا آسمانی و در محیطی کاملاً عاشقانه و با آرامش کامل بود. همان نحو که حق تعالی فرموده که ما از جنس خود شما همسرانی آفریدیم تا به آرامش، نهایت محبت، عشق و مهربانی برسید و این از نشانه های روشنگرانه الهی است (روم، ۲۱). امیرالمؤمنین (ع) همواره از لحظات زندگی خویش با فاطمه (س) نهایت آرامش و محبت را کسب می کرد، به نحوی که خود می فرمود: هرگاه به فاطمه (س) می نگریستم همه رنج ها و ناراحتی هایم را فراموش می نمودم (خوارزمی، پیشین: ۳۵۴، اربلی، ۱۴۰۵ ق، ۱: ۳۷۳). ازدواج ایشان در نهایت سادگی برگزار شد و بنا بر برخی روایات، با عنایت به شرایط خاس سال دوم هجری، ابتدا عقد و بعد از ۹ ماه، یعنی پس از جنگ بدر (بان عبدالبر، پیشین، ۵۴: ۱۸۹۳) و با دادن ولیمه عمومی در مسجد (نسایی، پیشین، ۶: ۷۳، طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۴۲) به عروسی انجامید و امیرالمؤمنین (ع) که تا آن هنگام با مادرش فاطمه بنت اسد (س) زندگی می کرد (ابن اثیر، پیشین، ۵: ۵۱۷) زندگی مشترک خود را آغاز کرد. سادگی منزل این دو و مهریه آسان (دولابی، ۱۴۱۷ ق: ۴-۹۳). همراه با جهیزیه

۱. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

مختصر (طوسی، پیشین: ۴۱-۴۰) مؤلفه مهمی بود که جهت زدودن زنجیرهایی که در اثر تفاخر جاهلی جهت ازدواج بین اشراف وجود داشت و همان‌طور که حق تعالی فرموده که شما باید از رفتار پیامبر (ص) الگو گیرید<sup>۱</sup> (احزاب، ۲۱) رفتار نزدیکان و اهل بیت حضرت نیز الگوی عملی رفتاری برای انسان‌های مان عصر و همه اعصار است و نظر به تأثیر ازدواج در بین مؤلفه‌های اصلی در آرامش فردی و امنیت اجتماعی، این ازدواج، شیوه و ادامه آن نیز همین نقش را داشته است. علی (ع) و زهرا (س) با محبت با هم رفتار نموده (اربلی، پیشین، ۱: ۳۷۳) و همدیگر را بهترین همسر می‌دانستند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ ش، ۳: ۱۳۱). فاطمه (س) امیرالمؤمنین را در خانه بیشتر پسرعمو و علی خطاب می‌کرد (مجلسی، پیشین، ۴۳: ۱۹۹ و ۲۴۰) و در جمع، ابالحسن می‌خواند (همان، ۲۸: ۳۵۲ و ۴۳: ۵۹). او در خانه خود را برای امیرالمؤمنین (ع) زینت می‌داد (صدوق، الامالی، ۱۴۱۷ ق: ۵۵۲) و هیچ‌گاه و در هیچ برنامه‌ای با همسرش مخالفت نکرد (خوارزمی، پیشین: ۳۵۳).

محصول زندگی مشترک ایشان - در حدود ۹ سال - ۵ فرزند بود که به ترتیب، امام مجتبی (ع)، امام حسین (ع)، حضرت زینب (س)، حضرت ام‌کلثوم (س) و محسن (ع) بود که آخرین ایشان، قبل از تولد در اثر ضربه غلاف شمشیر غلام عمر (طبری امامی، ۱۴۱۳ ق: ۱۳۴) یا توسط خود او سقط گردید (باقلانی، ۱۹۷۱ م: ۳۶).

سادگی و بی‌آلایشی زندگی این دو، کامل‌ترین نمونه زندگی بود. کارهای بیرون منزل با علی (ع) و درون منزل با فاطمه (س) بود (مجلسی، ۴۳: ۸۱). این امر موجب شادمانی زهرا (س) شد (حمیری، پیشین: ۵۲ و مجلسی، پیشین، ۴۳: ۸۱)، چراکه معتقد بود روحیه زنان با کار خانه مناسب است. این آموزه مهم فاطمی (س) برای جوامع بشری است که زنان به جای تحصیل آرامش در خانه، به بیرون کشیده شده‌اند. فاطمه (س) در خانه علاوه بر کارهای معمول، پشم‌ریسی می‌کرد و به درآمد خانه کمک می‌کرد (کوفی، پیشین، ۱: ۹-۱۷۸) و امیرالمؤمنین (ع) نیز هیزم می‌آورد و در آب و جاروب منزل به زهرا (س) کمک می‌کرد (کلینی، پیشین، ۵: ۸۶؛ صدوق، ۱۴۰۴ ق، ۳: ۱۶۹، ابن شهر آشوب، پیشین، ۱: ۳۷۲). ایشان گاهی در فرزندداری نیز به همسرش مساعدت می‌نمود (طبرانی، ۱۴۱۳ ق: ۹۰؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ ق، ۱۵: ۵۰۷؛ مرعشی نجفی، بی‌تا، ۲۵: ۳۱۹). فاطمه (س) در زمان سختی دوره حاکمیت تقاضای خدمتکار نکرد، ولی پس از چند سال و در زمان

۱. لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

زندگی و سیره حضرت زهرا (س) به عنوان الگوی سبک زندگی دینی ۲۳۳

مناسب، پیامبر (ص) فضه را برای ایشان معین نمود (ابن شهر آشوب، پیشین، ۳: ۱۲۰). فضه از اهالی نوبه (سودان امروزی) بود. وی خدمات منزل را با فضه تقسیم نمود (طبری امامی، ۱۴۱۳: ۱۴۰) و گاه گرسنه می ماند تا شوهر و بچه هایش غذا بخورند (کوفی، پیشین، ۱: ۲۰۱؛ اربلی، پیشین، ۲: ۹۷). وی به حقوق همسایگی توجهی تام داشت و تأثیر آن را در آرامش جامعه مهم می دید. نقل است که روزی به یکی از زنان مدینه روایتی از پیامبر (ص) ارائه داد که حضرت می فرمود آن که ایمان به خدا و پیامبر دارد، همسایه اش را نمی آزارد (محدث قمی، بی تا: ماده جار).

### ۵-۳-۳. شیوه تربیتی

فاطمه (س) اصرار داشت که حتماً باید مادر به فرزندانش شیر بدهد (طبرسی، ۱۳۹۲ ق: ۱۱۷). در طفولیت اطفالش با ایشان بازی می کرد و برایشان شعر می خواند (ابن شهر آشوب، پیشین، ۳: ۱۵۹). گاه به همراه شوهرش بین حسنین (ع) مسابقه کشتی ترتیب می داد و اطفالش را تشویق می کرد (صدوق، ۱۴۱۷: ۳۶۱، ابن شهر آشوب، پیشین، ۳: ۳۹۳؛ مفید، بی تا، ۲: ۱۲۸). او فرزندانش را به عبادت تشویق می کرد و در شب های قدر، با کم کردن غذا و اموری مانند آن، سعی می کرد بچه ها را موفق به شب زنده داری نماید (مغربی، ۱۳۸۳ ق: ۱: ۲۸۲). او در دعا دیگران را مقدم می ساخت و به فرزندانش می فرمود: اول همسایه، بعد اهل خانه (صدوق، ۱۳۸۵ ق: ۱: ۱۸۲). همه این مؤلفه ها از نکات مهمی است که در بحث تربیت فرزندان و ایجاد آرامش روحی و تأمین امنیت اخلاقی اجتماع، اهمیت بسزایی دارد.

### ۶-۳-۳. تعامل با مردم

اصحاب پیامبر (ص) و مردم مهاجر و انصار مدینه، با توجه به مقام شایسته فاطمه (س)، او را سیده نساء العالمین می خواندند (صدوق، پیشین، ۱: ۱۸۲). منابع اهل سنت نیز به این موضوع اعتراف کرده اند (ابن سعد، پیشین، ۸: ۲۷؛ طیبی، بی تا: ۱۹۷؛ مقیمی حاجی، ۱۳۹۳، ۱: ۵۷). وی مرجع فکری و عملی برای زنان مدینه بود (تفسیر منسوب به امام عسکری (ع)، ۱۴۰۹ ق: ۳۴۰). همچنین با شیوه عبادت و همچنین نمازها و تهجد وی (ابن شهر آشوب، پیشین، ۳: ۱۱۹) الگوی عملی برای زنان مدینه بود.

درجات ایمان و تقوای وی چنان بود که به تصریح ابن ابی‌الحدید اگر شخصی غضب و رضایش، غضب و رضای حقتعالی باشد، باید معصوم باشد (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ ق، ۱۶: ۲۷۳). بنابراین سخنان و مطالب وی، الگوی عملی و مؤلفه‌ای مهم در تربیت اجتماعی باید محسوب گردد. وی در برخی نبردهای اطراف مدینه، در کنار مسلمانان بود. در نبرد خندق یا احزاب به زخمی‌ها کمک می‌کرد و همچنین در نبرد احد، هم‌دردی با زنان داغ‌دیده داشت (ایشان در ماجرای شهادت جعفرین ابی‌طالب سه روز در خانه وی به اسماء بنت عمیس، همسر جعفر و فرزندانش خدمت و مساعدت شایانی نمود).

ایشان، همسر و فرزندانش به نیازمندان کمک شایانی می‌نمودند، چه از انفاق لباس نو در شب عروسی، چه از انفاق به پیرمرد نادار با انفاق گردنبند اهدایی از عمویش حمزه (قزوینی، بی‌تا: ۲۰۱) و چه از ماجرای نذر برای بیماری حسنین و انفاق افطار به مسکین، اسیر و یتیم و نزول هفده آیه از سوره هل اتی (فخررازی، پیشین، ۸: ۲۷۶) و چه در تقسیم عوائد فدک بین نیازمندان، چه از بنی‌هاشم و چه از سایر مسلمانان (ابن شهر آشوب، پیشین، ۱: ۱۲۳). در همه جا یار و یاور مسلمانان بود و همه اینها جزء مؤلفه‌های مهمی در همیاری جامعه و ایجاد فضایی برای آرامش و امنیت روحی و اخلاقی در جامعه محسوب می‌شد که با بررسی شرایط آن ایام و وضعیت اجتماعی عرب جاهلیت و همچنین مقایسه تطبیقی وضعیت مدنی جوامع در آن عصر، به‌ویژه در ایران ساسانی و روم قیصری قابل توجه است.

#### ۳-۴. جایگاه حضرت فاطمه (س) در دوره امامت حضرت علی (ع)

##### ۳-۴-۱. مدافع حریم ولایت

فاطمه (س) که در حریم منزل و محیط خانواده باعث آرامش همسر و فرزندانش بود و به این حقیقت امیرالمؤمنین (ع) تصریح نموده است (ابن شهر آشوب، پیشین، ۱: ۲۶۶) همیشه در کنار امیرالمؤمنین (ع) پشت و پناه او بود و هیچ گناه از وی درخواستی نمی‌کرد که باعث زحمت او و خلل در جهادش باشد (کوفی، پیشین، ۱: ۲۰۱). فاطمه (س) علاوه بر اطلاع از مقامات الهی، افق فوق‌العاده روحی، تأثیرات شگرف در رشد و نمو اسلام، سابقه و ارزش مجاهدت و اوج تعالی ایمانی همسرش و علم به حقیقت باطن تصریحاتی که از پدرش پیامبر گرامی اسلام (ص) در مورد امیرالمؤمنین شنیده بود، بزرگ‌ترین حامی و اصلی‌ترین پشتیبان ولایت الهی وی بود. به همین جهت در کلیه قضایای مربوط به وقایع



جانسوز بعد از رحلت پدر، در کنار همسرش باقی ماند. ایشان محروم شدن جامعه از امامت و خلافت علی (ع) را عامل اصلی ناامنی اجتماعی و گمراهی جامعه می دانست. منابع شیعی و سنی تصریح کرده اند که به وی به همراه علی (ع) و حسنین (ع) در ایامی که خلافت امیرالمؤمنین (ع) غصب شد، شبانه به در خانه برخی از صحابه و سابقین در اسلام می رفت و آنها را به حقیقت دعوت می نمود (ذاکری، ۱۳۹۳، ۱: ۱۵۸). هنگامی که مهاجمین برای اجبار نمودن امام علی (ع) به تبعیت، به پشت در خانه آمدند، آنان را به شدت نکوهش کرد (همان: ۱۸). هنگامی که به اجبار حضرت امیر (ع) را به مسجد بردند در آنجا حاضر شده و قاطعانه از حق همسرش دفاع کرد (همان، ۱: ۱۵۹).

#### ۲-۴-۳. روشنگری

از نکات مهم و بارز از فعالیت های آن حضرت در این برهه، آگاهی دادن و روشنگری بود که به تصریح خود آن بزرگوار جهت انتظام جامعه و تأمین سعادت فردی و امنیت اجتماعی این حقایق باید بیان شود (طبرسی، ۱۳۸۶، ق، ۱: ۱۳۴). او در این جهت چند محور مهم را دنبال می کرد:

- توجه دادن به ماجرای غدیر: حضرت که خود یکی از راویان قطعی غدیر محسوب می شد، همواره بر این حقیقت که در انظار بیش از یکصد هزار نفر بیان شد، پا می فشرد. در قضایای بعد از رحلت پیامبر (ص) وی به شدت این مسئله را یادآوری می نمود. نقل است که در چند جا این مسئله را بیان کرد و از اینکه مردم با بی توجهی به غدیر خم، عامل اصلی هدایت و آرامش جامعه را از دست می دادند، تأسف می خورد. از جمله در کنار قبر عموی حمزه (ع) وقتی یکی از اصحاب دلیل پافشاری وی را بر امامت و خلافت علی (ع) می پرسید، وی به واقعه غدیر و معرفی آن حضرت توسط پیامبر (ص) به نص الهی اشاره و تصریح نمود (مجلسی، پیشین، ۳۶: ۳۵۳). وی در جای دیگری وقتی شنید عده ای می گفتند که اگر علی (ع) در سقیفه حاضر بود، مردم با وی بیعت می کردند و چون نیامد با دیگری بیعت شد فرمود: بعد از ماجرای غدیر، هیچ عذری برای کسی در عدم پذیرش خلافت امیرالمؤمنین (ع) نیست (همان، ۳۰: ۱۲۴) وی هیچ گاه از این مهم کوتاه نیامد.

- سخنرانی معروف به خطبه فدکیه در مسجدالنبی (ص): این سخنرانی که در ظاهر برای اعتراض به غصب فدک، ولی در واقع در همان مسیر روشنگری بود، در بردارنده

نکات بسیار مهم و باعث توجه تام مهاجرین و انصار به ازهم گسیختگی نظام امنیت فردی و روانی در اثر عدم پذیرش خلافت امیرالمؤمنین (ع) شد. ولی شرایط حاکمیتی و نحوه تعامل دستگاه حکومت با ناراضیان و همچنین فضای غبارآلود در اثر بی بصیرتی مردم، مانع از تأثیر عمل این مطالب در آن فضا شد. حضرت در ابتدای خطبه، ضمن بیان نعمت‌های الهی و تأکید بر نعمت هدایت، چنان مطالب غرایی بیان کردند که باعث بهت حاضران شد (احتجاج، پیشین ۱: ۵-۱۳۳). در بخش دیگری ضمن اشاره به حکمت واجبات الهی فرمود: خداوند متعال پیشوایی ما اهل بیت (ع) را برای در امان ماندن از تفرقه و تشتت در نظام اجتماع انسان‌ها واجب و لازم‌الاتباع قرار داد (همان).

- توجه دادن به شایستگی‌های امیرالمؤمنین (ع): آن حضرت همواره مردم را به شایستگی‌های بی‌بدیل امیرالمؤمنین (ع) توجه می‌دادند. این علاوه بر مطالب پراکنده‌ای که در ملاقات با اشخاص، به‌ویژه زنان مهاجر و انصار که برای عیادت وی می‌آمدند، در مجامع عمومی نیز قابل توجه بود. از جمله در خطبه مشهور خویش بارها به این حقیقت تصریح نمودند و به اینکه عمومات و حقایق قرآن را جز همسرش کسی نمی‌داند تأکید داشتند (همان).

### ۳-۴-۳. مبارزه با غاصبان

یکی از راه‌های مهم این مبارزه علاوه بر صحبت با اشخاص، روشنگری عمومی و استدلال‌های مهم، شیوه عزاداری وی در فقدان پدرش بود. در واژه‌هایی که در این رثاییه‌ها به کار برده به حاکمان غاصب اعتراض و مردم را که تحت تأثیر این سوگواری‌ها قرار می‌گرفتند، آگاهی می‌داد و در واقع با این شیوه، آنها را به روشنگری دعوت می‌کرد که باعث شود به اوج انحرافی که آنها از سعادت فردی و اجتماعی دور می‌کند آگاه سازد. وی در بخشی از این سوگواره و شگواره‌ها می‌فرمود: چه باک است بر آنکه تربت احمد را بیویده تا آخر عمر، هیچ عطر گرانی نبوید. بر من مصیبت‌هایی فروریخت که اگر بر روزها فرومی‌ریخت، شب می‌شد (فرهنگ سخنان فاطمه (س): ۲۷۴). در جایی دیگر فرمود: بگو به آنکه زیر انبوه خاک‌ها پنهان شد، اگر فریاد و ندای مرا می‌شنوی، مصائبی بر من ریزش کرد که اگر بر روزها ریزش می‌کرد شب می‌شد. من در سایه محمد بودم و از هیچ ستمی نمی‌ترسیدم، او جهان من بود، اما امروز برای هر دون‌مایه‌ای، فروتنی دارم و از ستم او پروا

نموده و با چادرم او را می‌رانم (همان).

اهمیت و نفوذ کلام او باعث شد که غاصبان به فکر مسالمت با وی افتاده و از فشار افکار عمومی خلاصی یابند، ولی در ملاقات با ایشان که با وساطت امیرالمؤمنین (ع) و به خاطر رضایت آن حضرت صورت گرفت، به صراحت، غضب خود را از ایشان اعلام و توجه به حدیث نبوی (ص) داد که هر که فاطمه از او خشمگین باشد، خداوند از وی غضبناک خواهد بود (دینوری، ۱۴۱۳، ۱: ۳۱).

او همان فاطمه‌ای بود که چون امیرالمؤمنین (ع) را به اجبار برای بیعت می‌بردند، پشت سر او بیرون آمد و هنگامی که نزدیک قبر شد فریاد زد: پسرعمویم را رها کنید، سوگند به خدایی که پدرم محمد را به حق به پیامبری برانگیخت اگر دست از او برندارید مو پریشان می‌کنم و پیراهن پیامبر را بر سر می‌گذارم و در درگاه خدای سبحان دادخواهی می‌کنم (فرهنگ جامع: ۳۱۳). وی در مورد خطراتی که جامعه در بُعد امنیت اجتماعی و گمراهی و آرامش نداشته آحاد در اثر مبتلا شدن به حاکمان غیرالهی با آن روبرو می‌شود، فرمود: سوگند به جاودانگی پروردگار، روزگار، باردار حوادث ناگوار شد، اندکی مهلت تا نتیجه دهد و بزاید، آنگاه به جای شیر، از خون تازه و زهر کشنده جام خویش را لبریز کنند، در آنجاست که باطل‌گرایان زیان بینند و آیندگان از سرانجام شوم و تلخ آنچه گذشتگان بنیان نهادند، آگاه شوند. پس دست از جانتان بشوید و اطمینان خاطر پیدا کنید که فتنه‌ها در راه است و در انتظار شمشیر بر آن و هرج و مرج و آشوب فراگیر و استبداد و زورگویی ستمگران باشید. به گونه‌ای که بهره‌غنیمتی شما از دنیا را ناچیز و جمعتان را درو و نابود کند، ای دریغ و افسوس بر شما، کجا می‌روید (همان: ۷-۳۷۶). فاطمه (س) در لحظات آخر عمر خویش با اطلاع از اینکه غاصبان با شرکت در تشییع جنازه، کفن و دفن وی به ویژه نماز بر پیکرش، برای خویش مشروعیت خواهند جست، از امیرالمؤمنین (ع) خواست که وی را در شب غسل، کفن و دفن نماید و احدی از غاصبان و همراهانشان بر پیکر وی نماز نگزارند (مقیمی، ۱۳۹۳: ۱۶۱).

#### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

الگویابی در شیوه و سبک زندگی، از دیرین روحيات و خلیقات جامعه انسانی بوده است. جامعه اسلامی ما نیز که از همان آغاز، اسلام را به دلیل افق بالای دید خود پذیرفت، حقیقت آن را در مکتب اهل بیت (ع) یافت. جامعه ایرانی دریافت که اصلی‌ترین هدف

شرایع الهی و کامل‌ترین یعنی اسلام، انسان‌سازی است و این حاصل نمی‌شود، مگر با تأمین سعادت فردی و امنیت اجتماعی در پرتو شریعت که منجر به هدایت و بصیرت می‌شود. ائمه هدی (ع) همگی در این مسیر اقدام کرده و مجموع آموزه‌های ایشان، حاکی از همین مدعاست و حضرت فاطمه زهرا (س) به‌عنوان حجت بزرگ الهی با توجه به شرایط خاص زمانی خویش در این خصوص گفتار و رفتارشان معیار اصلی دریافت مؤلفه‌هایی بود که این دو مهم را تأمین می‌کرد. طبعاً از نکات بارز آن، خطبه روشن‌گرانه موسوم به خطبه فدکیه می‌باشد.

زندگی، مبارزات، رفتار فردی و اجتماعی، شیوه سلوک وی در خانه و خانواده و در یک کلام، سیره فاطمی (س)، یکی از نمایه‌های اصلی برای دریافت الگوهای مناسب در سبک زندگی اسلامی در ابعاد مختلف تربیتی، اجتماعی، رفتار فردی و بازتاب‌های مختلف آن است که با بررسی برهه‌های مختلف زندگی آن حضرت، به دست می‌آید.



## فهرست منابع

۱. ابن ابی عاصم (۱۴۲۲ ق). الآحاد و المثانی، بیروت: دارالدرایه.
۲. ابن اثیر جزری، ابوالحسن (۱۲۹۰ ق). اسد الغابه فی معرفه الصحابه، المطبعه الوهبیه.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمن (۱۴۱۷ ق). زادالمسیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالفکر.
۴. ابن حبان، علی بن بلبان (۱۴۱۴ ق). صحیح ابن حبان، بیروت: الرساله.
۵. ابن حمزه طوسی (۱۴۱۲ ق). الثاقب فی مناقب، قم: انصاریان.
۶. ابن حنبل، احمد (بی تا). المسند، در صادر، بیروت، هشت جلدی.
۷. ابن سعد، محمد (بی تا). الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر.
۸. ابن شاهین، عمر بن احمد (۱۴۱۱ ق). فضائل سیده النساء، قاهره: مکتبه التریبه الاسلامیه.
۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶ ق). مناقب آل ابی طالب (ع)، نجف: حیدریه.
۱۰. ابن صباغ مالکی (۱۴۰۹ ق). فصول المهمه، بیروت: دارالاضواء.
۱۱. ابن ضحاک، عمر بن عاصم (۱۴۱۲ ق). کتاب السنه، اسلامیه، بیروت، چ سوم.
۱۲. ابن عبدالبر اندلسی، م ۴۶۳ ق، الاستیعاب، بیروت: دارالجیل.
۱۳. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۳ ق). الامامه و السیاسه، قم: نشر شریف رضی.
۱۴. ابن کثیر دمشقی (۱۴۰۸ ق). البدایه و النهایه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۵. ابن کثیر دمشقی (۱۴۱۲ ق). تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالمعرفه.
۱۶. ابن ماجه قزوینی (۱۳۵۵ ق). کتاب السنن، مطبعه عثمانیه، دکن.
۱۷. ابن مغازلی شافعی (۱۲۹۴ ق). مناقب علی ابن ابی طالب (ع)، مطبعه اسلامیه.
۱۸. ابن هشام، عبدالملک حمیری (۱۳۸۳ ق). السیره النبویه، قاهره.
۱۹. ابویعلی (بی تا). المسند، در المأمون للتراث، بیروت.
۲۰. احسایی، ابن ابی الجمهور (۱۴۰۳ ق). عوالی اللثالی، قم: مطبعه سیدالشهدا (ع).
۲۱. اربلی، علی بن عیسی (۱۴۰۵ ق). کشف الغمه، بیروت: دارالاضواء.
۲۲. ازدی، عبدالملک بن مسلم (۱۴۱۶ ق). شرح معانی الاخبار، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۳. اسکافی، ابوجعفر (بی تا). المعیار و الموازنه، بیروت.
۲۴. الفت، سعیده و آزاده سالمی (۱۳۹۰). «مفهوم سبک زندگی»، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، سال اول، شماره ۱، پاییز: ۳۶-۹.
۲۵. باقلانی، محمد (۱۹۷۱). نکت الانتصار، تحقیق محمد زغلول سلام، منشأ المعارف.
۲۶. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۳ ق). مدینه المعاجز، قم: معارف اسلامیه.
۲۷. بخاری، ابواسماعیل (۱۴۰۹ ق). الادب المفرد، الثقافه، بیروت.
۲۸. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۳ ق). السنن، بیروت: دارالفکر، بیروت.
۲۹. تفسیر منسوب به امام عسکری (ع) (۱۴۰۹ ق). قم: مدرسه امام مهدی (ع).
۳۰. حاکم نیشابوری، محمد (۱۴۰۶ ق). المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالمعرفه.
۳۱. حموی (۱۳۹۸ ق). فراندالسمطین، بیروت: مؤسسه محمودی.
۳۲. حمیری، ابوالعباس (۱۴۱۳ ق). قرب الاسناد، قم: نشر آل البيت لاحیاء التراث.

۳۳. خصیبی، ابن حمدان (۱۴۱۱ق). الهدایه الكبرى، بیروت: نشر البلاغ.
۳۴. خطیب بغدادی (۱۳۴۹ق). تاریخ بغداد، مصر: مطبعه خانجی.
۳۵. خطیب خوارزمی (بی تا). مناقب الامام امیر المؤمنین (ع)، قاهره.
۳۶. خوشنویس، ناهید (۱۳۸۹). «رسانه و سبک زندگی»، مجله روابط عمومی، شماره ۷۳: ۱۷-۹.
۳۷. خیشمه طرابلسی (۱۴۰۰ق). حدیث خیشمه، بیروت: دارالکتاب العربی.
۳۸. دولابی، محمد بن حماد (۱۴۱۷ق). الذریه الطاهره النبویه، کویت: دارالسلفیه.
۳۹. رسولی، محمدرضا (۱۳۸۲). «بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلوزیون»، مجله علوم اجتماعی، شماره ۲۳.
۴۰. زرنندی حنفی، محمد بن یوسف (۱۳۷۷ق). نظم در المسلمین، مخطوطات مکتبه امیر المؤمنین (ع)، نجف.
۴۱. سیوطی، جلال‌الدین (۱۳۶۵ق). الدر المنثور، جده: دارالمعرفه.
۴۲. شیخ صدوق (بی تا). ثواب الاعمال، تهران: اسلامیه.
۴۳. شیخ مفید (بی تا). الارشاد، بیروت: دارالمفید.
۴۴. صالحی شامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴ق). سبل الهدی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۵. صدوق (۱۴۱۷ق). الامالی، قم: مؤسسه بعثت.
۴۶. صدوق (۱۳۸۵ق). علل الشرایع، نجف: مکتبه حیدریه.
۴۷. صدوق (۱۴۰۴ق). من لایحضره الفقیه، قم: نشر اسلامیه.
۴۸. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۳ق). الدعوات، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۹. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۰۳ق). الرساله، بیروت.
۵۰. طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا). المعجم الکبیر، نشر قاهره.
۵۱. طبرسی، ابومنصور (۱۳۸۶ق). الاحتجاج، نجف: درالنعمان.
۵۲. طبرسی، حسن به فضل (۱۳۹۲ق). مکارم الاخلاق، قم: نشر شریف رضی.
۵۳. طبری امامی، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق). دلائل الامامه، قم: مؤسسه بعثت.
۵۴. طبری، محب‌الدین (بی تا). ذخائر العقبی، مطبعه القدسی.
۵۵. طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۳ق). تاریخ طبری، بیروت: اعلمی، بیروت.
۵۶. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵ق). جامع البیان، بیروت: دارالفکر.
۵۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). الامانی، قم: مؤسسه البعثه.
۵۸. طیالسی، سلیمان بن داوود (بی تا). مسند طیالسی، بیروت: دارالمعرفه.
۵۹. فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، تهران: نشر صبح صادق.
۶۰. فخر رازی (۱۳۰۸ق). تفسیر الکبیر، استانبول: مطبعه عثمانیه.
۶۱. فیست، جس و گریگوری فیست (۱۳۸۷). نظریه‌های شخصیت، تهران: ویرایش.
۶۲. قاضی نعمان مغربی (بی تا). شرح الاخبار، قم: جامعه مدرسین.
۶۳. قزوینی، سید محمد کاظم (بی تا). فاطمه الزهرا (س) من المهد الی اللحد، نجف.
۶۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی، تهران: اسلامیه.
۶۵. کوفی، محمد بن سلیمان (۱۴۱۲ق). مناقب امیر المؤمنین (ع)، قم: مجمع الثقافه.

زندگی و سیره حضرت زهرا (س) به عنوان الگوی سبک زندگی دینی ۲۴۱

۶۶. گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم (ع) (۱۳۸۶). فرهنگ جامع سخنان حضرت فاطمه (س)، تهران: چاپ و نشر بین الملل.
۶۷. گنجی شافعی (۱۳۵۶ ق). کفایه الطالب، مطبعه نجف.
۶۸. متقی هندی، علی (۱۴۰۹ ق). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: الرساله.
۶۹. محاملی، اسماعیل الضبی (۱۴۱۲ ق). امالی المحاملی، اردن: مکتبه الاسلامیه.
۷۰. محدث قمی، شیخ عباس (بی تا). سفینه البحار، تهران: اسلامیه.
۷۱. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (بی تا). شرح احقاق الحق، قم: مکتبه مرعشی.
۷۲. مسلم نیشابوری (بی تا). صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر.
۷۳. مغربی، قاضی نعمان (۱۳۸۳ ق). دعائم الاسلام، قاهره: دارالمعارف.
۷۴. مقیمی، حاجی، ابوالقاسم (۱۳۹۳). دانشنامه فاطمی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷۵. مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۸). دین و سبک زندگی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۷۶. نسایی، احمد بن شعیب (۱۴۱۱ ق). السنن، بیروت: دارالکتب.
۷۷. نووی دمشقی، ابوزکریا (۱۴۲۱ ق). ریاض الصالحین، بیروت: دارالفکر.
۷۸. هیشمی، ابن حجر (۱۴۱۴ ق). الصواعق المحرقة، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷۹. یعقوبی، ابن واضح (بی تا). تاریخ یعقوبی، قم: فرهنگ اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی